

تبیین راهبردها، الزامات و پیامدهای اقتصاد مقاومتی در نظام آموزش عالی

حسن دولتی*

ابوظالب مطلبی**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تبیین راهبردها، الزامات و پیامدهای اقتصاد مقاومتی در نظام آموزش عالی با روش آمیخته اکتشافی بود. در بخش کیفی روش گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مازندران در خرداد ۱۳۹۵ با تخصص اقتصاد و آگاه از نظام آموزش عالی بود که با روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. مؤلفه‌ها و شاخص‌های آموزش، پژوهش و گفتمان‌سازی برای راهبردها، فرهنگ اقتصادی در جامعه، توسعه منابع انسانی، نظام کارای نوآوری و اختراع، زیرساخت اطلاعاتی، ارتباطی و نظام کارای تسهیلات انگیزشی برای الزامات و بهره‌وری سازمانی، وحدت و همبستگی ملی برای پیامدهای اقتصاد مقاومتی با روش تحلیل محتوا شناسایی شد. بخش کمی از نظر هدف کاربردی و با روش توصیفی همبستگی بود که پس از ترکیب سازوکارهای حاصل از ادبیات پژوهش و مصاحبه‌ها، سه پرسشنامه جهت سنجش روابط حوزه‌های راهبردها، الزامات و پیامدهای اقتصاد مقاومتی طراحی گردید. جامعه آماری شامل اساتید مدعو و سازمانی دانشگاه علوم دریایی در ۱۳۹۵ بود که با روش مورگان ۱۵۹ نفر نمونه انتخاب شد نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که راهبردهای اقتصاد مقاومتی بر الزامات اقتصاد مقاومتی تأثیر دارد و همچنین الزامات اقتصاد مقاومتی نیز بر تحقق پیامدهای اقتصاد مقاومتی تأثیرگذار است.

واژه‌های کلیدی: الزامات اقتصاد مقاومتی، پیامدهای اقتصاد مقاومتی، نظام آموزش عالی

* استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، نوشهر، ایران. (نویسنده مسئول)

drdolati_uek@yahoo.com

** استادیار دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، نوشهر، ایران.

مقدمه

آینده جهان در هزاره سوم، آکنده از رقابت، عوامل محیطی نامطمئن، رواج فناوری‌های برتر بوده که به صورت وحشتناکی بر جوامع بشری چنگ انداخته و انواع مختلف نا اطمینانی‌ها را شکل داده است (معموری، ۱۳۸۱). دستیابی به توسعه مبتنی بر دانش، مستلزم تلاش‌های هدفمند و سازمان‌یافته در سطوح ملی و تعاملات متقابل آن با سطوح بین‌المللی است که در آن تمامی بخش‌ها و نهادهای جوامع مشارکت حداکثری کنند (نعمتی و سادات محسنی، ۱۳۹۳). سازمان‌ها نیز در دنیای متغیر امروز با توجه به تغییر و تحولاتی که در اثر مهارت‌ها، توانایی‌ها و رقبای فناوری ایجاد شده، اجازه مدیریت به شکل سنتی را ندارند (کارتز، آرمناکیس، فیلد و موسشولدر، ۲۰۱۳) و مجبور به جستجوی بهترین شیوه‌ها و طرح‌ها به منظور سازگاری با محیط در حال تغییر هستند (آلن، براون، کارناسیوس و نورمن^۲، ۲۰۱۳). علت شکل‌گیری این‌گونه عدم اطمینانی‌ها در کشور ما علاوه بر موارد ذکر شده ناشی از شکاف علمی و اقتصادی کشور ایران از دنیای پیشرفته است به طوری که از بازگفتن این واقعیت تلخ نمی‌توان هراس داشت که صنعت، تجارت و بازار ما فاقد یک ریشه علمی و متکی به دانش روز است. تولیدات علمی در ایران به طور عمده در قفسه کتابخانه‌ها شده و به بازار نمی‌آیند؛ و این در حالی است که در دنیای امروز، قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی کشورها متکی به حجم تولیدات علمی آن‌هاست (حسینقلی پور و همکاران، ۱۳۸۹). به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان برای اصلاح وضعیت اقتصادی باید ابتدا به دنبال تأثیر فرهنگ اقتصادی در جامعه بود (غلامی، ۱۳۹۱). پیش‌نیاز ورود به چنین عرصه‌های نوین مدیریتی، مستلزم توسعه دید دانش‌آموختگان، بهبود نقش و مهارت آنان و افزایش دانش عمومی آنان است. در این راستا اگرچه راهبردهای مقابله با بحران اقتصادی دغدغه اصلی شرکت‌ها و تولیدکنندگان کالا و خدمات است ولی عمده بحث‌های دانشگاهی در این خصوص عمدتاً به صورت گذرا و مقطعی انجام می‌شود (میرعمادی، ۱۳۹۰). اینکه چگونه استعدادهای انسانی، از طریق آموزش تجهیز می‌شوند؟ و اینکه سرمایه انسانی تجهیز شده، چگونه به کار گرفته می‌شود؟ علامتی مهم برای آینده‌شناسی هر کشوری محسوب

-
1. Carter, Armenakis, Field & Mossholder
 2. Allen, Brown, Karanasios & Norman

شده و نقش حائز اهمیتی در مدیریت اقتصادی دارد (نیلی، ۱۳۹۳). علاوه بر این‌که یکی از اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و همچنین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر اساس بند ۱ اصل ۱۱۰ مبنی بر تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی در محیط‌های علمی و آموزشی است و فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) نیز می‌فرماید: «اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با حرکت عادی و احياناً خواب‌آلوده و بدون حساسیت امکان‌پذیر نیست و نیازمند برنامه‌ریزی، حرکت علمی، همت و مدیریت جهادی است.» و به عبارتی اجرای راهبردهای اقتصاد مقاومتی مستلزم آموزش، پژوهش و برنامه‌ریزی است.

مفهوم اقتصاد مقاومتی با واژه‌هایی از قبیل تاب‌آوری، ترمیم‌پذیری، برگشت‌پذیری (حالت ارتجاعی) یک سیستم، پس از اختلال و آشفتگی است (سیف، ۱۳۹۲) و در اصطلاح تاب‌آوری عبارت است از بازگشت و بازیابی سریع پس از یک تنش یا فشار است (سیفلو، ۱۳۹۳). بریگاگلیو (۲۰۰۶) فنریت اقتصادی را در مفهوم اقتصاد مقاومتی به معنی از عهده برآمدن به دو مفهوم بکار می‌برد؛ اول توانایی اقتصاد برای بهبودی سریع از شوک‌های اقتصادی خارجی و دوم توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر اثرات این شوک‌ها؛ و از دیدگاه رز (۲۰۰۴) فنریت اقتصادی به معنی ایستا یا پویا با مفهوم توان و یا ظرفیت یک سیستم برای جذب و یا منعطف شدن در برابر خطر و یا شوک پایدار است (سیف، ۱۳۹۲). بر همین اساس اقتصاد مقاومتی طرحی است که زمینه را برای برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و درازمدت در بستر چشم‌انداز و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هموار ساخته و با فراهم ساختن امکان تحرک برای پتانسیل‌های بومی انقلاب اسلامی، راه را برای دستیابی به آرمان‌هایی چون اقتصاد بومی و اقتصاد اسلامی می‌گشاید. در اقتصاد مقاومتی عناصری چون مقاومت، عملیاتی بودن، ناظر به اجرا بودن و پتانسیل ساز بودن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند (محمدی، ۱۳۹۳). اگرچه اقتصاد مقاومتی با مشکلات اقتصادی سروکار دارد اما محدود به علم اقتصاد نیست؛ بلکه پدیده‌ای است از جنس الگو و برگرفته از مبانی اسلامی. از این منظر، اقتصاد مقاومتی مقوله‌ای کلان‌تر از اقتصاد است و اقتصاد به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از آن است؛ بنابراین، نظام اسلامی در مسیر پیشرفت خود، به دنبال اقتصاد به‌مثابه هدف غایی نیست (سعیدی، ۱۳۹۵). تحقق اقتصاد مقاومتی، بر حسب مکانیسم‌های در اختیار نظام آموزش عالی،

منوط به طراحی یک نظام آموزشی متناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی و فنی هر کشور است که آن را قادر کند تا با ایجاد نوآوری در فرآیندها و دیدگاه‌ها و نگهداشت موفقیت‌های گذشته، کشور را در مسیر رشد و توسعه قرار دهد.

نقش دانشگاه در این راستا نخست به‌مثابه نهادی است که به شکل ارگانیک خود را از درون با بخش‌های متعدد تنظیم می‌کند؛ و در وهله دوم زمانی است که دانشگاه خود را برای برآوردن نیازهای جامعه و در خدمت آن بودن تنظیم می‌کند (شریف‌زاده، ۱۳۹۰). دانشگاه‌ها باید هم‌اکنون به‌عنوان یکی از پایدارترین نهادها باید از عهده یک آزمون جدید و پیچیده برآیند. این آزمون جدید و پیچیده عبارت است از: شرایط جدید کسب‌وکار در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴). و به‌عبارت‌دیگر دانشگاه باید فارغ‌التحصیلانی را به جامعه ارائه دهد که دانش را در کنار پژوهش‌های کاربردی به خدمت گرفته و با نوآوری، کار می‌آفرینند (اللهیاری، ۱۳۹۳). محقق شدن این امر مهم مستلزم چهار عامل تأثیرگذار است: نخست اینکه با توجه به نیاز جامعه رو به رشد، آموزش عالی نیز به‌شدت در حال رشد است و نباید برای بررسی آینده آن، صرفاً به اطلاعات گذشته اکتفا شود. دوم اینکه حدود اختیارات دانشگاه‌ها، با ورود تأمین‌کنندگان بخش خصوصی، در حال افزایش است. سوم اینکه به دلیل تفاوت‌های نظام‌های آموزش عالی در نقاط مختلف دنیا و جهت‌گیری‌های متفاوت هر یک، نظام آموزش عالی با نوآوری‌های جدیدی مواجه است و سرانجام توسعه سریع فناوری‌های اطلاعاتی موجب تغییر در پارادایم‌های آموزشی و نیز افزایش درآمد نظام آموزش عالی خواهد شد (منتظر، فلاحتی، ۱۳۹۴). زیگموند باومن (۲۰۰۷) در مقابل شرایط پیشین جهان که آن را «تجددگرایی جامد» نام نهاده، شرایط فعلی جهان را «تجددگرایی سیال» نامیده است (آراسته و امیری، ۱۳۹۱). بدین ترتیب انجام اصلاح و تغییر در ابعاد مختلف نظام‌های مدیریتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی یک امری ضروری است که جراحی آن مستلزم پژوهش‌های علمی در زمینه‌های مختلف مدیریتی اعم از مدیریت آموزشی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت فضاهای آموزشی و مدیریت راهبردی است. شناخت علمی حاصل از چنین پژوهش‌هایی این امکان را فراهم می‌آورد تا با بهره‌گیری از نتایج به دست آمده، سازوکارهای نوین در جهت اثربخشی و کارآمدسازی نظام آموزش عالی به کار گرفت و با همسو کردن فعالیت‌های این نظام با

تغییرات محیطی و تولید علم و فناوری جدید زمینه‌های تأمین نیروی انسانی متخصص موردنیاز جامعه را فراهم کرد (ابراهیم‌زاده و حیدری، ۱۳۸۷).

با توجه به تغییر و تحولات موجود در عرصه جهانی که هرازگاهی اقتصاد کشورها را متزلزل کرده و با بحران روبرو می‌کند نظام آموزش عالی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی، نیازمند دانشگاه‌هایی است که از نظر ساختار سازمانی، سرمایه انسانی، فرایندهای آموزشی و پژوهشی و غیره زمینه‌ساز تحقق افراد تاب آور، پویا، مقید به آرمان‌های نظام اسلامی، متخصص و دانش‌بنیان است؛ تا بتوانند ضمن فراهم نمودن زمینه رشد و توسعه اقتصادی از به وجود آمدن بحران‌های اقتصادی در آینده جلوگیری کنند. شایان‌ذکر است برای بررسی کارآمدسازی نظام آموزش عالی تنها بررسی این عناصر به‌صورت مجزا کافی نیست، بلکه باید به کیفیت و نحوه ارتباط بین این عناصر نیز توجه شود. در این پژوهش نگارنده تلاش کرده است تا نسبت به شناسایی الزامات و راهبردهای اقتصاد مقاومتی مرتبط با نظام آموزش عالی و بررسی روابط آن‌ها در این مقاله اقدام کند.

الزامات اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب عبارت است از «اولاً یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است اما منحصر به کشور ما نیست؛ دوم این اقتصاد درون‌زا است یعنی از دل ظرفیت‌های کشور می‌جوشد اما برون‌گراست؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، اما درون‌گرا نیست؛ سوم مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق می‌یابد دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک را دارد؛ چهارم اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفت‌های علمی (منحصر به دانشمندان نبوده و از تجارب و مهارت‌های صنعتگران و مهارت‌های کارگران) استفاده می‌کند پنجم عدالت محور است بنابراین شاخص عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی در جامعه یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است؛ ششم اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم سازی پایه‌های اقتصاد؛ این‌چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند.» (۱/۱/۱۳۹۳) در پژوهش‌های دیگری مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مرتبط با آموزش عالی، مردمی کردن اقتصاد، دانش‌بنیان کردن اقتصاد، اصلاح سبک معیشت، کارآفرینی جامع، بومی‌سازی فن‌آوری و

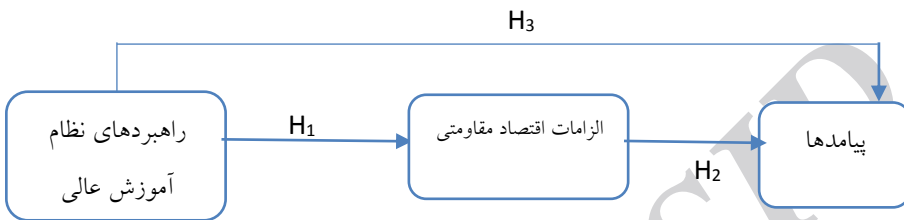
افزایش بهره‌وری (واعظی و فدایی، ۱۳۹۴) حمایت از تولید داخلی، تولید علم، (عزتی، احمدی، انوری و اصغری هرندی، ۱۳۹۴) رویکرد جهادی، مردم‌محوری، اصلاح الگوی مصرف، دانش‌محوری (صادق برادران و کشمیری حق، ۱۳۹۳) اقتصاد دانش‌بنیان (بشارت و ارسلان بد، ۱۳۹۳) تشکیل تیم یا کمیته جنگ استراتژی در سازمان‌ها متناسب با دورنمای فلسفی، ایدئولوژیک، تاریخی و جغرافیایی جهت تبدیل ناامنی به نگرانی و نگرانی به شجاعت و همچنین تبدیل تصمیم‌گیری به وسیله تعامل به تصمیم‌گیری سریع بر اساس برنامه و اهداف کوتاه‌مدت (نجاتی گیلانی، ۱۳۹۱) عنوان کرده‌اند همچنین انتظاری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارائه الگویی برای هماهنگ‌سازی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال» نشان داد که بر پایه اهداف جزئی رشد اقتصادی، رشد بهره‌وری و گسترش فعالیت‌های دانش در نظام اشتغال، می‌توان تحولات مبتنی بر دانش و حداقل نیاز کشور به دانش‌آموختگان آموزش عالی را تعیین و بر اساس آن اهداف جزئی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های دولتی را مشخص ساخت و با تدوین برنامه‌های آموزشی جدید به توسعه اقتصادی کمک کرد و هدایتگر توسعه مبتنی بر دانش در کشور بود. قارون (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «دولت، آموزش عالی و اشتغال» نشان داد اگر دولت با استفاده از سیاست‌های کلان اقتصادی و روش‌های مناسب حمایتی و ابزارهای کارآمد، نقش خود را درست ایفا کند، نظام آموزش عالی نقش اساسی در ایجاد ظرفیت‌های یادگیری، به سمت دانش‌مدار شدن اقتصاد دارد. در ورای این اقدامات، برقراری نظام نظارت و ارزیابی برای سیاست‌های اتخاذشده و سنجش عملکرد میزان پیشرفت و تأثیر آن‌ها از ضروریات است. ماریانا^۱ (۲۰۱۵) نیز در یافته‌های خود در مقاله‌ای با عنوان «آموزش تعیین‌کننده رشد اقتصادی» نشان داد که مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی کشورها درگرو توجه به آموزش عالی است و رابطه معناداری بین آموزش عالی و رشد اقتصادی وجود دارد. دامسیوونس^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر سیاست آموزشی در توسعه اقتصادی کشور» نشان داد که رفاه اجتماعی و رشد آینده بستگی به تمرکز دانش در صنعت و خدمات است. بیشتر شغل‌ها نیز به کیفیت آموزش نیاز دارند. وی سرانجام با

1. Mariana
2. Dumciuviene

تحلیل سرمایه انسانی به‌عنوان یکی از عوامل تولید نشان داد که افراد از طریق دانش جمع‌آوری شده به افزایش تولید کمک می‌کنند و موضوعات مهم دیگری که از آموزش عالی تأثیر می‌پذیرند شامل پژوهش، فناوری و کلیه عوامل افزایش‌دهنده تولید است و سیاست‌های آموزشی اروپا با رشد اقتصادی رابطه مثبت و مستقیم دارد. مالدونادو^۱ (۲۰۱۴) در نتایج پژوهش‌های خود تحت عنوان «مهارت‌های رهبری در بحران‌های بین‌المللی» مهم‌ترین عامل را هوش فرهنگی معرفی نمود. یافته‌های کایتاز و گل^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «واکنش مصرف‌کنندگان به بحران اقتصادی و تجربه بازاریابان» حاکی از فعالیت ۱- سازمان‌های غیردولتی NGO ۲- دولت ۳- کاهش انتظارات مردم ۴- بهره‌گیری از راهبردهای سایر کشورها ۵- تغییر نوع درآمد بود. پال، تورستنسون و ماتیللا^۳ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با هدف چگونگی مقابله با بحران‌های اقتصادی بین‌المللی در سازمان‌ها نشان دادند که دارایی‌ها و منابع، پویایی سازمان‌ها و فرهنگ و رهبری می‌تواند سازمان‌ها را در برابر بحران‌های بین‌المللی مقاوم کند. آفونز^۴ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با هدف تجزیه و تحلیل انطباق آموزش دانشگاه با خواسته‌های بازار کار در منطقه مادرید با هدف همکاری دانشگاه و صنعت به‌عنوان وسیله‌ای برای پرورش اشتغال با روش کیفی نشان داد که آموزش و پرورش به‌صورت عملی تمایل نزدیک‌تری به نیازهای صنعت دارد و مشارکت متخصصان صنعت در دوره‌های کارشناسی ارشد و کارآموزی بیشترین تأثیر را بر مکانیزم استخدام و اشتغال‌زایی می‌گذارد. ویلدان، آتس و دومان^۵ (۲۰۱۱) نیز در مقاله‌ای با هدف ارائه مدلی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با بحران‌های اقتصادی، ابتدا مسئولیت اجتماعی شرکت را به‌عنوان یک بعد کلی معرفی و در نهایت توسعه بین‌المللی اقتصاد، تغییر اجتماعی، تقاضا برای صنایع متنوع را مهم‌ترین عوامل مقابله با بحران اقتصادی در ترکیه معرفی نمود. با عنایت به موارد عنوان‌شده امری که در این پژوهش پژوهشگر به دنبال آن است در ادامه بیان شده است:

1. Maldonado
2. Kaytaz & Gul
3. Pal, Torstensson & Mattila
4. Afonso
5. Vildan, AteS & Dumanb

- ۱- مؤلفه‌ها و شاخص‌های الزامات، راهبردها و پیامدهای اقتصاد مقاومتی در نظام آموزش عالی کدام است؟
- ۲- چه ارتباطی بین راهبردهای نظام آموزش عالی و الزامات اقتصاد مقاومتی و پیامدها وجود دارد؟ بر این اساس مدل مفهومی شکل ۱ طراحی گردید.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

روش جمع‌آوری اطلاعات بر اساس آمیخته اکتشافی بود که در آن ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری و تحلیل می‌شود؛ بنابراین هدف اول بخش کیفی این پژوهش شناسایی راهبردها و الزامات و پیامدهای اقتصاد مقاومتی بود. روش نمونه‌گیری در آن، گلوله برفی و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته است که با گروه ده نفره‌ای از خبرگان دانشگاهی (اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مستقر در استان مازندران) با تخصص اقتصاد و با سابقه کار آموزشی ۱۰ تا ۲۵ سال در خرداد ۱۳۹۵ است که از مصاحبه ششم به بعد تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شده است؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه دهم ادامه یافت از بین اساتید دو نفر در مرتبه استادی، ۴ نفر در رتبه دانشیاری و ۴ نفر استادیار و ۲ نفر مربی بود. روش تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای سه مرحله (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) است. برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، داده‌ها ابتدا در مرحله کدگذاری محوری و همچنین تحلیل و تفسیر داده‌ها با مشارکت کنندگان آماده گردید سپس توسط پنج نفر از اساتید مدیریت مورد تأیید قرار گرفت. در تحلیل مصاحبه‌ها تعداد ۶۹ شاخص استخراج گردید بعد از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه در نهایت ۶۵ شاخص احصاء شد که ۲۲ کد برای راهبردها و ۳۳ کد برای اقتصاد مقاومتی و ۱۰ کد

برای پیامدها و همچنین مؤلفه‌های آموزش، پژوهش و گفت‌وگو برای راهبردها، فرهنگ اقتصادی در جامعه، توسعه منابع انسانی، نظام کارای نوآوری و اختراع، زیرساخت اطلاعاتی، ارتباطی و نظام کارای تسهیلات انگیزشی برای الزامات و بهره‌وری سازمانی، وحدت و همبستگی ملی برای پیامدهای اقتصاد مقاومتی به شرح جدول ۱ منظور گردید.

جدول ۱. محورها و ابعاد شناسایی شده در آموزش عالی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی

| مؤلفه | محور |
|----------------------------------|------------------------|
| آموزش | راهبردها |
| پژوهش | |
| گفت‌وگو سازی | |
| زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی | |
| نظام کارای نوآوری و مالکیت معنوی | الزامات اقتصاد مقاومتی |
| فرهنگ اقتصادی در جامعه | |
| آموزش و توسعه منابع انسانی | |
| نظام کارای تسهیلات انگیزشی | |
| بهره‌وری سازمانی | پیامدها |
| وحدت و همبستگی ملی | |

بخش کمی پژوهش از نظر هدف کاربردی و بر مبنای روش توصیفی همبستگی-پیمایشی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل سه پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته در خصوص راهبردها، الزامات و پیامدهای اقتصاد مقاومتی به‌منظور بررسی نحوه ارتباط و میزان تأثیر متغیرهای راهبردها، الزامات و پیامدهای اقتصاد مقاومتی بود که مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن در بخش کیفی شناسایی شده بود. جامعه آماری اساتید مدعو و سازمانی دانشگاه علوم دریایی بود که حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان تعداد ۱۵۰ نفر تعیین شد اما جهت اطمینان بیشتر و جلوگیری از افت آزمودنی حجم نمونه با سقف مجاز ۱۰٪ افزایش به ۱۶۵ نفر تغییر یافت و در نهایت به دلیل مخدوش بودن، تعداد ۶ پرسشنامه معتبر شناخته نشد و نهایتاً تعداد پاسخگویان به ۱۵۹ نفر تقلیل یافت.

برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون خطی تحلیل مسیر و روش حداقل مربعات جزئی استفاده شد.

پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ در تمام گویه‌ها برابر جدول ۲ بیش از ۰/۷ است که حاکی از مناسب بودن پایایی مدل است. روایی محتوا و صوری پیش از توزیع پرسش‌نامه مورد تأیید صاحب‌نظران در سطح وسیع قرار گرفت. همچنین بالا بودن مقدار AVE (میزان همبستگی هر سازه با شاخص‌های خود) بیش از ۰/۵ برابر جدول ۲ در تمامی گویا بیانگر روایی همگرایی مناسب مدل است؛ و روش فورنل و لاکر یکی از معیارهای سنجش روایی واگرا در PLS است. این مدل در صورتی واگرایی قابل قبولی دارد که اعداد مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین بیشتر باشد؛ که نتایج حاصله برابر جدول ۳ نشان داد که سازه‌ها از روایی واگرایی قابل قبولی برخوردار هستند.

جدول ۲. نتایج معیار آلفای کرونباخ و معیار روایی همگرا

| متغیرهای مکنون | ضریب پایایی (Alpha>0.7) | میانگین واریانس استخراجی (AVE>0.5) |
|----------------------------------|----------------------------|---------------------------------------|
| راهبردها | ۰/۹۶ | ۰/۶۴ |
| گفتمان‌سازی | ۰/۸۹ | ۰/۶۹ |
| آموزش | ۰/۹۳ | ۰/۵۸ |
| پژوهش | ۰/۸۷ | ۰/۶۶ |
| اقتصاد مقاومتی | ۰/۹۵ | ۰/۶۶ |
| زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی | ۰/۸۵ | ۰/۵۳ |
| نظام کارای نوآوری و مالکیت معنوی | ۰/۹۰ | ۰/۵۸ |
| فرهنگ اقتصادی در جامعه | ۰/۹۵ | ۰/۶۷ |
| آموزش و توسعه منابع انسانی | ۰/۸۶ | ۰/۸۷ |
| نظام کارای تسهیلات انگیزشی | ۰/۸۶ | ۰/۶۴ |
| پیامدها | ۰/۹۲ | ۰/۷۰ |
| بهره‌وری سازمانی | ۰/۸۹ | ۰/۶۶ |
| وحدت و همبستگی ملی | ۰/۸۹ | ۰/۷۵ |

جدول ۳. مقایسه جذر تفسیر روش فورنل و لاکر

| مقایسه جذر AVE هر سازه با مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها (روایی واگرا) | | | |
|--|----------------|----------|----------------|
| پیامدها | اقتصاد مقاومتی | راهبردها | |
| | | ۰/۸۰ | راهبرد |
| | ۰/۸۱ | ۰/۸۰ | اقتصاد مقاومتی |
| ۰/۸۳ | ۰/۸۱ | ۰/۸۰ | پیامد |

یافته‌ها

اطلاعات توصیفی در بخش کمی از نظر جنسیت شامل ۴۳/۷ درصد زنان و ۵۷/۳ درصد مردان بودند و از نظر تجربه ۳۵/۲ درصد ۵-۱۰ سال و ۳۸/۴ درصد ۱۰-۱۵ سال و ۱۸/۲ درصد ۱۶-۲۰ و ۱۷/۵ درصد بالای ۲۰ سال تجربه کاری داشتند و از نظر رتبه علمی ۴۴/۷ درصد مربی و ۳۶/۵ درصد استادیار و ۱۷/۶ درصد دانشیار و ۱/۳ درصد استاد بودند. همان‌طور مشاهده می‌شود ترکیب مناسبی از نمونه آماری در شکل‌گیری نتایج پژوهش نقش داشته‌اند.

مطابق با الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش PLS بعد از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری نوبت به برازش ساختاری می‌رسد. در این پژوهش از ضرایب R^2 و مقدار Q^2 برای سنجش مدل ساختاری متغیرهای راهبردها، الزامات و پیامدهای اقتصاد مقاومتی استفاده شده است که R^2 معیاری به‌منظور نشان دادن تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زاست و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ ملاک سنجش آن است. در این پژوهش مقدار R^2 برای کلیه متغیرها به‌غیر از متغیر برون‌زای آموزش و توسعه منابع انسانی بیش از ۰/۶۷ محاسبه شده است. مقدار Q^2 برای سنجش قدرت پیش‌بینی یک سازه درون‌زاست که سه مقدار ۰/۲۰، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به‌عنوان مقدار ملاک است در این پژوهش برابر جدول ۵ مقدار Q^2 برای کلیه متغیرها بیش از ۰/۳۵ بود. این امر دلالت بر پیش‌بینی قوی مدل در خصوص سازه‌ها را دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که برازش مدل ساختاری شکل ۱ تأیید می‌شود.

برای سنجش برازش کل مدل از معیار GOF^1 طبق فرمول زیر استفاده می‌شود این معیار مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است؛ که در آن $\overline{Communalities}$ نشانه میانگین مقادیر اشتراکی و $\overline{R^2}$ نیز مقادیر R Squares سازه‌های درون‌زای مدل است.

$$GOF = \sqrt{\overline{Communalities} * \overline{R^2}}$$

سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به‌عنوان مقادیر GOF است. مقدار GOF در این پژوهش برابر اطلاعات جدول ۳ مقدار ۰/۷۳ بوده و از مقدار ۰/۳۶ بیشتر است بنابراین مدل از برازش کلی قوی برخوردار است.

$$\sqrt{0.79 * 0.665} = 0.73$$

جدول ۴. معیارهای Q^2 و GOF مربوط به مدل

| GOF | | Q2 | | متغیرهای مکنون |
|----------------|-------------|-----------|--|----------------------------------|
| R ² | Communality | 1-SSE/SSO | | |
| ۰/۸۳ | ۰/۶۹ | ۰/۵۷ | | گفتمان سازی |
| ۰/۹۴ | ۰/۵۸ | ۰/۵۳ | | آموزش |
| ۰/۹۱ | ۰/۶۶ | ۰/۵۹ | | پژوهش |
| ۰/۸۲ | ۰/۵۳ | ۰/۴۳ | | زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی |
| ۰/۶۸ | ۰/۵۸ | ۰/۳۹ | | نظام کارای نوآوری و مالکیت معنوی |
| ۰/۸۴ | ۰/۶۷ | ۰/۵۶ | | فرهنگ اقتصادی در جامعه |
| ۰/۵۴ | ۰/۸۷ | ۰/۴۵ | | آموزش و توسعه منابع انسانی |
| ۰/۷۳ | ۰/۶۴ | ۰/۴۷ | | نظام کارای تسهیلات انگیزشی |
| ۰/۸۸ | ۰/۶۶ | ۰/۵۸ | | بهره‌وری سازمانی |
| ۰/۷۷ | ۰/۷۵ | ۰/۵۹ | | وحدت و همبستگی ملی |
| ۷/۹۳۵ | ۶/۶۴ | | | جمع کل |
| ۰/۷۹ | ۰/۶۷ | | | میانگین |

آزمون فرضیه‌های پژوهش در دو قسمت انجام گرفت.

الف) بررسی ضرایب معناداری Z (مقادیر t-values) هر یک از فرضیه‌ها؛

ضرایب معناداری مسیرهای مدل نشان می‌دهد که آیا فرضیه‌های پژوهش معنی‌دار است یا خیر؟ ملاک اعتبار قابل قبول برای اعداد بالاتر از ۱/۹۶ در سطح ۰/۰۵ و بالاتر از ۲/۵۶ در سطح ۰/۰۱ است.

ب) بررسی ضرایب استاندارد شده بار عاملی مربوط به مسیرهای هریک از فرضیه‌ها؛ پس از آنکه در بخش اول، معناداری دو متغیر پنهان مشخص شد در این قسمت شدت تأثیر متغیرها بر یکدیگر مشخص می‌شود. در این پژوهش نتایج فرضیه‌ها به شرح شکل‌های ۲ و ۳ و جدول‌های ۵ و ۶ است

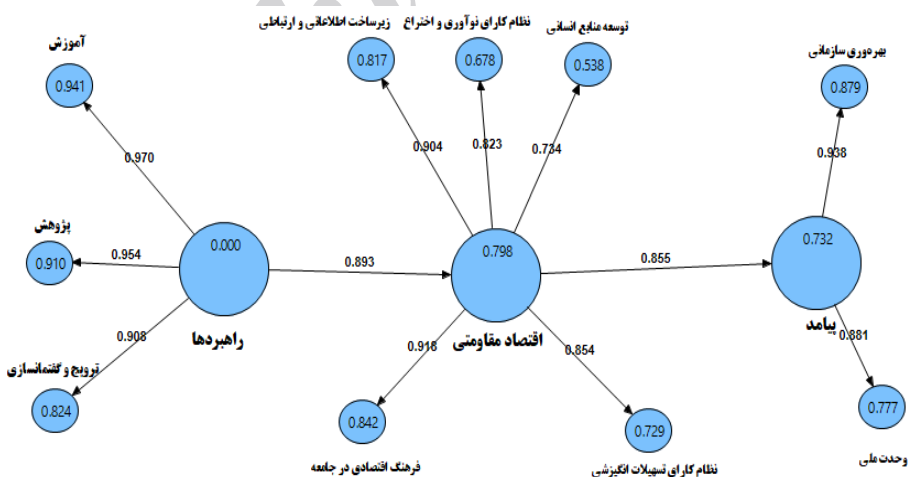
جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی تحقیق

| نتیجه | انحراف معیار استاندارد | آماره آزمون | ضریب مسیر (BETA) | فرضیه‌های فرعی |
|-------|------------------------|-------------|------------------|---|
| تأیید | ۰/۰۰۷ | ۱۲۸/۱۳ | ۰/۹۷ | آموزش ← راهبردها |
| تأیید | ۰/۰۰۹ | ۱۱۰/۹۹ | ۰/۹۵ | پژوهش ← راهبردها |
| تأیید | ۰/۰۱۵ | ۵۸/۸۳ | ۰/۹۱ | گفتمان‌سازی ← راهبردها |
| تأیید | ۰/۰۱۳ | ۶۵/۸۹ | ۰/۹۲ | فرهنگ اقتصاد در جامعه ← اقتصاد مقاومتی |
| تأیید | ۰/۰۰۵ | ۱۶/۰۵ | ۰/۷۳ | توسعه منابع انسانی ← اقتصاد مقاومتی |
| تأیید | ۰/۰۳۷ | ۲۲/۱۸ | ۰/۸۲ | نظام کارای نوآوری و اختراع ← اقتصاد مقاومتی |
| تأیید | ۰/۰۱۱ | ۴۵/۶۶ | ۰/۹۰ | زیرساخت اطلاعاتی و ارتباطی ← اقتصاد مقاومتی |
| تأیید | ۰/۰۲۲ | ۶۵/۸۹ | ۰/۸۵ | نظام کارای تسهیلات انگیزشی ← اقتصاد مقاومتی |
| تأیید | ۰/۰۰۸ | ۱۱۰/۸۴ | ۰/۹۴ | بهره‌وری سازمانی ← پیامدها |
| تأیید | ۰/۰۱۹ | ۴۶/۲۳ | ۰/۸۸ | وحدت و همبستگی ملی ← پیامدها |

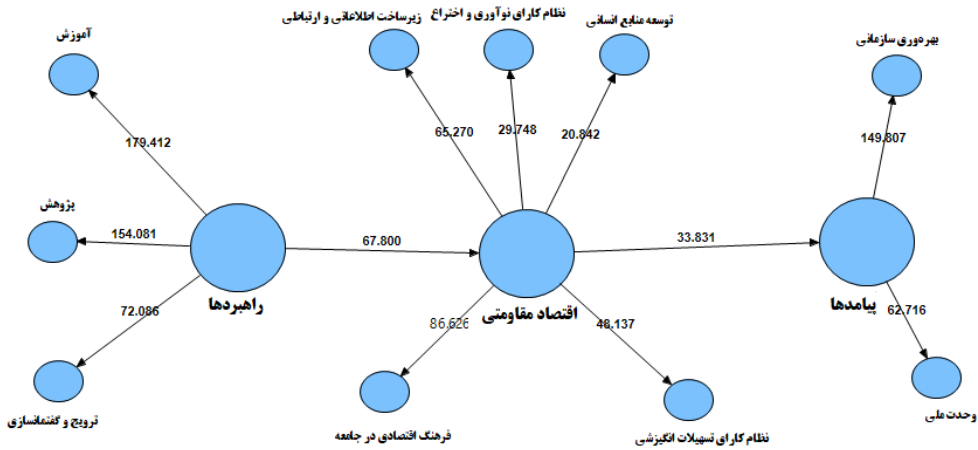
جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی تحقیق

| نتیجه | انحراف معیار استاندارد | آماره آزمون | ضریب مسیر (BETA) | فرضیه‌های اصلی |
|-------|------------------------|-------------|------------------|-----------------------------------|
| تأیید | ۰/۰۱۳ | ۷۰/۴۸۶ | ۰/۸۹۳ | راهبردها ← الزامات اقتصاد مقاومتی |
| تأیید | ۰/۰۷۸ | ۶/۷۷۰ | ۰/۵۲۵ | پیامدها ← الزامات اقتصاد مقاومتی |
| تأیید | ۰/۰۷۳ | ۵/۱۲۲ | ۰/۳۷۰ | پیامدها ← راهبردها |

تفسیر: نتایج جدول ۵ و ۶ نشان می‌دهد که آماره‌های آزمون در کلیه فرضیه‌ها بیشتر از ۱/۹۶ است؛ بنابراین کلیه فرضیه‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. مقدار ضریب مسیر نیز بیانگر این است که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته را متغیر مستقل تبیین می‌کند. به‌طور مثال در جدول ۷ با توجه به مقدار ضرایب مسیر می‌توان گفت که ۸۹ درصد، ۵۲ درصد، ۳۷ درصد از تغییرات محقق شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به ترتیب از طریق فرضیه‌های اول، دوم و سوم قابل تبیین است. همچنین نتایج فرضیه اول و سوم بیانگر این است که راهبردها علاوه بر تأثیر مستقیم بر تحقق پیامدهای اقتصاد مقاومتی به‌صورت غیرمستقیم نیز بر تحقق پیامدهای اقتصاد مقاومتی تأثیرگذار است و به‌عبارت‌دیگر راهبردهای نظام آموزش عالی به میزان ۳۷ درصد از پیامدهای اقتصاد مقاومتی را تبیین می‌کند از سوی دیگر دو ضریب ۸۹ درصد، ۵۲ درصد نیز نشان می‌دهند که متغیر راهبردهای نظام آموزش عالی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی الزامات اقتصاد مقاومتی برای تحقق پیامدهای اقتصاد مقاومتی تأثیر جزئی دارد؛ و نتایج تحلیل فرضیه‌های فرعی نیز نشان می‌دهد که کلیه مؤلفه‌های سازه‌ها از نظر صاحب‌نظران مورد تأیید است. لذا می‌توان این‌چنین بیان کرد که شاخص‌های مورد استفاده با زیربنای پژوهش تطابق قابل قبولی دارد و تمامی شاخص‌ها به‌درستی انتخاب شده‌اند.



شکل ۲. بررسی ضریب تأثیر هر یک از متغیرهای مدل



شکل ۳. بررسی مقدار آماره t هر یک از متغیرهای مدل

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، تبیین راهبردهای نظام آموزش عالی در جهت تحقق پیامدهای اقتصاد مقاومتی بود که با روش پژوهش آمیخته اکتشافی انجام شد. در سال‌های اخیر با توجه به بحران‌های اقتصادی ناشی از تحریم، مبحث اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح گردید پژوهش حاضر پس از شناسایی الزامات و پیامدها و راهبردهای نظام آموزش عالی مرتبط با اقتصاد مقاومتی با روش کیفی با استفاده از نظرات نخبگان و صاحب‌نظران نسبت به بررسی روابط بین آن‌ها پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که راهبردهای نظام آموزش عالی عبارت است از راهبردهای آموزشی که با نتایج تحقیقات، حسینی‌پور و همکاران (۱۳۸۹)، ماریانا (۲۰۱۵)، دراگوز (۲۰۱۵)، دامسیوننس (۲۰۱۴)، ادريس (۲۰۱۲) و اولگا (۲۰۰۸) همخوانی داشت و راهبرد پژوهشی که با نتایج پژوهش‌های غلامی (۱۳۹۱)، ماریانا (۲۰۱۵)، دراگوز (۲۰۱۵)، دامسیوننس (۲۰۱۴)، ادريس (۲۰۱۲) و اولگا (۲۰۰۸) همخوانی داشت و همچنین راهبرد گفتمان‌سازی که با نتایج پژوهش اسدی (۱۳۹۴)، فلاحتی و همکاران (۱۳۹۴)، علی بیگی و همکاران (۱۳۹۱)، غلامرضایی و همکاران (۱۳۸۸)، شریف‌زاده و همکاران (۱۳۸۶)، ماریانا (۲۰۱۵)، دراگوز (۲۰۱۵)، دامسیوننس (۲۰۱۴)، ادريس (۲۰۱۲) آفونز (۲۰۱۲) و اولگا، (۲۰۰۸) همخوانی داشت؛ و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

مشمول بر اشاعه فرهنگ اقتصادی در جامعه، توسعه منابع انسانی، نظام کارای نوآوری و اختراع، زیرساخت اطلاعاتی و ارتباطی و نظام کارای تسهیلات انگیزشی است که با نتایج پژوهش‌های واعظی، فدایی (۱۳۹۴)، صادق برداران، کشمیری (۱۳۹۳)، عزتی (۱۳۹۴) و بشارت، ارسلان (۱۳۹۳) میرعماد (۱۳۹۰)، ویلدان (۲۰۱۱)، قارون (۱۳۸۴)، پال و همکاران (۲۰۱۲)، دامسیونس (۲۰۱۴)، مالدونا (۲۰۱۴) همخوانی دارد و پیامدهای حاصل از اجرای راهبردهای نظام آموزش عالی و تحقق اقتصاد مقاومتی شامل بهره‌وری سازمانی و همچنین وحدت و همبستگی ملی بود که با نتایج پژوهش‌های فدایی (۱۳۹۴)، صادق برداران، کشمیری (۱۳۹۳)، عزتی (۱۳۹۴) و بشارت، ارسلان (۱۳۹۳)، پال و همکاران (۲۰۱۲) همخوانی داشت است و نتایج بررسی نحوه ارتباط و میزان تأثیر متغیرهای راهبردهای نظام آموزش عالی جهت تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی مرتبط با نظام آموزش عالی حاکی از وجود رابطه قوی و مثبت بین آن‌ها بود به این معنی که راهبردها و الزامات اقتصاد مقاومتی مرتبط با نظام آموزش عالی به‌درستی انتخاب شده‌اند و همچنین رابطه بسیار قوی بین الزامات و پیامدهای اقتصاد مقاومتی وجود داشت. در صورتی که الزامات اقتصاد مقاومتی مرتبط با نظام آموزش عالی به‌درستی مهیا شود می‌تواند بهره‌وری و وحدت و همبستگی ملی را در جامعه محقق کند. یافته‌های دیگر مقاله نشان داد که راهبردهای نظام آموزش عالی نیز در شکل‌گیری پیامدهای اقتصاد مقاومتی به‌صورت مستقیم تأثیرگذار است. ولی تأثیرگذاری از طریق الزامات اقتصاد مقاومتی بیشتر است.

بنابراین می‌توان دریافت که آموزش عالی نقش بسیار مهمی در توسعه‌یافتگی و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی داشته و با ایجاد مهارت و شناخت موجب ارتقاء کیفیت سبک زندگی، بهره‌وری نیروی کار، تسهیل پیشرفت فناوری و نوآوری و تقویت هویت ملی و همبستگی در جامعه شده و رابطه عمیقی با رشد اقتصادی در بلندمدت برقرار می‌کند. در واقع پیامدهای اقتصاد مقاومتی تنها زمانی تحقق می‌یابد که نظام آموزش عالی بتواند راهبردهای آموزشی، پژوهشی و گفتمان‌سازی متناسب با ایدئولوژی‌ها، آرمان‌ها، فرهنگ حاکم و شرایط خاص و متفاوتی که در کشور حاکم است و در این پژوهش به آن‌ها اشاره شد به اجرا گذارد.

لازم به ذکر است این راهبردها متناسب با موقعیت‌های سیاسی، مکان‌هایی که در آن بحران اقتصادی محقق شده و دورنمای فلسفی، تاریخی، جغرافیایی کشورها قابل تغییر است به همین دلیل برخی از عوامل و عناصر احصاء شده از مصاحبه‌ها با عوامل و مؤلفه‌های حاصل از ادبیات پژوهش مشابه بودند، اما بسیاری از شاخص‌های به دست آمده در ادبیات پژوهش مورد تأکید قرار نگرفتند که علت را می‌توان با توجه به ایدئولوژی‌ها، آرمان‌ها، فرهنگ حاکم و شرایط خاص و متفاوت نظام آموزش عالی کشورمان توجیه کرد در همین راستا استانداردسازی فرآیندهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها متناسب با پیامدها و اهداف کلان اقتصادی کشور؛ تغییر رویکرد حافظه محوری و آموزش محوری به فرهنگ کار، تولید، مهارت و کارآفرینی؛ بسترسازی اقتصاد دانش‌بنیان و ارتباط با صنعت در دانشگاه پیشنهاد می‌شود.

منابع

- انتظاری، یعقوب. (۱۳۸۸). ارائه الگویی برای هماهنگ‌سازی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال؛ برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۵۳، ۱-۲۷.
- آراسته. حمیدرضا و امیری، الهام. (۱۳۹۱). نقش دانشگاه‌ها در آموزش توسعه پایدار. *نشاء علم*، ۲۲(۲)، ۲۸-۳۶.
- اللهیاری، علی. (۱۳۹۳). بررسی نقش نوآوری و خودشکوفایی در پیش‌بینی کارآفرینی دانشجویان. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۲۴، ۱۳۷-۱۴۷.
- بشارت، احسان و ارسلان بد، محمدرضا. (۱۳۹۳). اثرپذیری رشد اقتصادی ایران از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی: دیدگاه راهبردهای توسعه کشورهای ژاپن و کره جنوبی. *فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۵(۱۷)، ۷۷-۹۸.
- حجازی، اسد؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم؛ بهرنگی. محمدرضا؛ زین‌آبادی. حسن رضا. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل تأثیرگذار بر برنامه‌های توسعه آموزش. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱(۱)۶، ۲۲۹-۲۴۱.
- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ حیدری، مژگان. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر نظام مدیریتی دانشگاه‌های باز و از راه دور در مقایسه با دانشگاه‌های مرسوم. *آموزش عالی ایران*، ۱(۱)، ۸۱-۱۰۶.

حسین‌قلی پور، حکیمه؛ قلی پور آرین، قاضی محله مهدی؛ روشندل، طاهر. (۱۳۸۹). الزامات، ضرورت‌ها و مکانیزم‌های تجاری‌سازی دانش در دانشکده‌های مدیریت. مدیریت بازرگانی، ۲(۶)، ۴۱-۶۰.

دانایی فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد. اندیشه مدیریت، ۲(۱)، ۶۹-۹۷.

دهقان منشادی، منصور. (۱۳۹۲). سازمان یاد دهنده الگویی برای سازمان‌های آموزشی در ایران. یزد: انتشارات تیک.

سیف، الله مراد. (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ج.ا.ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی، ۱۶(۶۱)، ۶۱-۸۹.

شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۹۰). ضرورت بازشناسی نظام آموزش عالی و نقش آن در توسعه علمی و اجتماعی کشور: پژوهشی درباره دوره کارشناسی رشته مدیریت دولتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور. جامعه پژوهی فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۲(۱)، ۷۹-۱۱۲.

برادران، محمد صادق؛ کشمیری حق، محمدامین. (۱۳۹۳). جایگاه کارآفرینی در تحقق اقتصاد مقاومتی. تهران: مجمع تشخیص مصلحت کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران چهارچوبی برای برنامه‌ریزی. اجرا و ارزیابی.

عزتی، مرتضی؛ احمدی، علی؛ انوری، قاسم؛ اصغری هرندی، محمد رضا. (۱۳۹۴). تأثیر اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در مقابله با تحریم‌های اقتصادی. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۶۱، ۵-۳۰.

غلامی، محمدامین. (۱۳۹۱). دانشگاه‌ها چگونه در اقتصاد مقاومتی ایفای نقش می‌کنند. روزنامه ایران (۹۱/۷/۲۵).

قارون، معصومه. (۱۳۸۴). دولت، آموزش عالی و اشتغال. دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

محمدی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). مفهوم شناسی و استخراج مؤلفه‌های عنصر مقاومت در اقتصاد مقاومتی. ماهنامه تحلیلی، ترویجی و گفتمانی قرارگاه پدافند اقتصادی، ۱، ۱۸-۱۹.

معموری، علی. (۱۳۸۱). قرآن و پایان تاریخ، موعود، ۳۶، قابل دسترسی در سایت

<http://www.hawzah.net/fa/Magazine>

منتظر، غلامعلی؛ فلاحتی، نگار. (۱۳۹۴). سناریونگاری آینده آموزش عالی ایران و کارکرد

فناوری اطلاعات در آن. سیاست علم و فناوری، ۲۵، ۴۷-۶۹.

- میرعمادی، طاهره. (۱۳۹۰). چارچوبی برای ارزیابی راهبردهای مقابله با تحریم از منظر نظام ملی نوآوری. فصلنامه علمی و پژوهشی سیاست علم و فناوری، ۳(۴)، ۸-۹۸.
- نجاتی، ص. (۱۳۹۱). متدولوژی جدید طراحی و پیاده‌سازی استراتژی برای گذر مؤثر از بحران اقتصادی. نهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک. تهران.
- نعمتی، محمدعلی؛ سادات حسینی، هدی سادات. (۱۳۹۳). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق فرایند تبدیل دانش به فناوری در دانشگاه‌ها. فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۲۴، ۱۷۷-۱۹۴.
- نیلی، مسعود. (۱۳۹۳). گزارش جمع‌بندی کنفرانس اقتصادی. موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. ۱-۳۵.
- واعظی، سید کمال؛ فدایی، محمد. (۱۳۹۴). معرفی الگوی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان مدل بومی توسعه پایدار. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات دفاعی استراتژیک، ۶۱، ۳۱-۵۰.
- Afonso, A., Ramirez, J. J., & Diaze Puente, J. M. (2012). University- industry cooperation in the education domain to foster competitiveness and employment. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46, 3947-3953.
- Allen, D. K., Brown, A., Karanasios, S., & Norman, A. (2013). How should technology – mediated organizational change be explained? A comparison of the contributions of critical realism and activity theory. *Mis Quarterly*, 37(3), 835 - 854.
- Carter, M. Z., Armenakis, A. A., Field, H. S., & Mossholder, K. w. (2013). Transformational leadership, relationship quality and employee performance during continuous incremental organizational change. *Journal of Organizational Behavior*, 34(7), 942 – 958.
- Dumciuviene, D. (2015). The Impact Of Education Policy To Country Economic Development. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 191, 2427 – 2436.
- Kaytaz, M., & Misra, C. G. (2014). Consumer response to economic crisis and lessons for marketers: The Turkish experience. *Journal of Business Research*, 67, 2701-2706.
- Maldonado, T. & Vera, D. (2014). Leadership skills for international crises: The role of cultural intelligence and improvisation. *Organ Dyn*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.orgdyn.2014.09.002>
- Mariana, D. R. (2015). Education As A Determinant Of The Economic Growth. The Case Of Romania. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 197, 404-412.
- Pal, R., Torstensson, H., & Mattila, H. (2013). Antecedents of organizational resilience in economic crises—an empirical study of Swedish textile and clothing SMEs. *International Journal of Production Economics*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.ijpe.2013.02.031i>
- Vildan, D., Ate, S. S. •Duman, G. (2011) «CSR As A Tool To Cope With Economic Crises: The Case Of TEI. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 24 , 1418-1426.